

## گفتگو با بهترین‌های علمی

در ۲۴ ساعت می‌توان، بیشتر از ۲۴ ساعت آموخت \*

- آقای شفیع‌پور، کسب رتبه سوم گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی در کنکور ۸۰ نتیجه تمام تلاش‌های شما بود. چقدر احتمال می‌دادید که چنین رتبه‌ای کسب کنید؟
- اصلاً فکر نکرده بودم و هدفم این نبود. هدف من این بود که بتوانم در هر رشته‌ای که دوست دارم پذیرفته شوم و به این منظور دوست داشتم رتبه خوبی داشته باشم.
- مثلاً چه رتبه‌ای؟
- یک رتبه ۲ رقیمی زیر ۵۰. البته به نظر من فاصله علمی ۵۰ رتبه اول کنکور چیزی نیست، فقط نوع آن امتحان خاص است که جای این ۵۰ رتبه اولیه را تعیین می‌کند.
- به این منظور از چه موقع برنامه‌ریزی جدی خود را برای کنکور آغاز کردید؟
- دقیقاً برای کنکور از تابستان بود که شروع کردم. اما سالهای قبل هم خوب درس می‌خواندم. از مرداد ماه بود که دقیق‌تر شروع به مطالعه کردم و در طول تابستان بیشتر دروس ریاضی و فیزیک را خواندم. برنامه‌ریزی من هم شکل خاصی نداشت معمولاً هر روز ۷

---

\* گفتگو با احسان شفیع‌پور رتبه سوم گروه آزمایشی علوم ریاضی - فنی از مرکز شهیدآزاده‌ای اصفهان (سمپاد) / پیک سنچس،

ساعت درس می خواندم. حال ممکن بود صبح بخوانم یا عصر و یا گاهی اوقات شبها.

○ بعد از شروع پیش دانشگاهی، یعنی از مهرماه به بعد چطور؟

● با آغاز سال تحصیلی تعداد ساعات درس خواندنم کم شد. از صبح تا عصر ساعت ۱۶ مدرسه بودم، بعد که به منزل می رسیدم تا شب نهایتاً ۳ ساعت درس می خواندم. اما هیچ وقت سرخودم کلاه نمی گذاشتم. هر وقت که می توانستم و فرصتی پیدا می شد درس می خواندم و اگر می دیدم که خوب نمی فهمم یا گیرایی خوبی ندارم نمی خواندم.

○ برنامه درسی بعد از عید شما به چه صورت بود؟

● بعد از عید مدرسه نمی رفتم و بیشتر در منزل درس می خواندم. تعداد ساعات مطالعه ام نیز زیاد شده بود. تقریباً هر روز ۱۰ ساعت مطالعه داشتم. قبل از عید بیشتر مفهومی می خواندم و بعد از عید دوره مرور من بود و سعی کردم سرعت تست زدنم را افزایش بدهم. تمام وقتم را صرف درس خواندن کردم. حتی زمانهایی که استراحت می کردم به خاطر این بود که درس را خوب بفهمم. نوع درس خواندن و فراگیری بعد از عید هم در نتیجه نهایی کنکور بسیار مهم است. درسی که ۲ ماه قبل از کنکور خوانده می شود توی حافظه می ماند.

○ در مورد تست چطور عمل کردید؟

● اوایل تستها را بیشتر به صورت مفهومی می زدم و سعی می کردم تستها را از روش تستی حل نکنم و به صورت مفهومی حل کنم. یک سری تستها معمولاً همیشه در کنکور ثابت است. سعی می کردم آنها را به طور کلی پارامتری حل کنم. یک فرمول کلی بدست می آوردم و بعد سر جلسه به جای حل کامل آن تست فقط اعداد را جایگزین می کردم و خیلی زودتر جواب را بدست می آوردم. توی تابستان و قبل از عید بیشتر سعی می کردم خود تست را حل کنم. با تست به عنوان سؤال برخورد می کردم و سعی می کردم به مفهومش مسلط بشوم.

○ تا قبل از کنکور درس را چند بار دور کردید؟

● بستگی داشت چه درسی باشد. مثلاً کل کتابهای دینی را سه بار دوره کردم. عربی و زبان را از روی کتاب ۲ بار خواندم. اما تست هم بسیار زیاد کار کردم. ادبیات را هم سه بار خواندم. معمولاً برای تست زدن و تست طرح کردن خودم را می گذاشتم جای طراح سؤال و فکر می کردم مثلاً در یک تست که ۴ تا گزینه دارد، بهترین حالتش چطور می توان باشد.

○ روش نوع مطالعه شما به چه صورت بود؟

- از روش خاصی استفاده نمی‌کردم. خواندن و حفظ کردن کتابها و اثبات در حد فهم و لازم و بعد هم حل مسایل و تست زدن.
- فکرمی‌کنید اگر یک بار دیگر کنکور را تکرار کنید چه رتبه‌ای خواهید شد؟
- ممکن است کمتر از ۳ بشوم یا بالاتر. اما به هر حال جزو ۵۰ نفر اول خواهم بود، اما این ساختار ویژه کنکور خواهد بود که تعیین می‌کند دقیقاً در چه رتبه‌ای باشم.
- قبل از این در دوره دبیرستان، وقتی با اسم یا عکس رتبه‌های برتر کنکور مواجه می‌شدید، چه فکری درباره آن‌هلی کردید. چه نظری در مورد آنها داشتید؟
- آن موقع زیاد به کنکور فکر نمی‌کردم. اما در کل در مورد رتبه‌های برتر کنکور فکر می‌کردم جایگاه‌شان دست نیافتنی است. اما بعد از اینکه خودم شروع کردم، دیدم که اینطور نیست و می‌توان در صورت تلاش چنین رتبه‌ای را حاصل نمود. اگر کسی بخواهد می‌تواند جزو ۵۰ نفر اول کنکور باشد.
- یعنی هر کسی بخواهد؟ بدون در نظر گرفتن پیشینه تحصیلی فرد؟
- اینکه می‌گویم هر کسی اگر بخواهد می‌تواند جزو ۵۰ نفر اول باشد منظورم کسی است که در طول سالهای تحصیلی اش این را بخواهد. یعنی اینکه همیشه بخواهد و خوب درس خوانده باشد.
- در ابتدای گفتگو اشاره کردید که دوست داشتید رتبه‌ای زیر ۵۰ حاصل کنید تا هر رشته‌ای که تمایل داشتید برگزینید. چه رشته‌ای را بیشتر در نظر داشتید؟
- در ابتدا هدفم دکترای پیوسته فیزیک بود اما بعد به دلایلی صرف نظر کردم.
- چرا؟
- به این دلیل که دانشگاه صنعتی شریف دیگر در رشته دکترای پیوسته فیزیک دانشجوی نمی‌گرفت.
- در صورت علاقه به این رشته می‌توانستید در سایر دانشگاهها هم این هدف و خواسته‌تان را دنبال کنید. اینطور نیست؟
- چرا می‌شد، اما می‌خواستم در آن دانشگاه تحصیل کنم.
- در اینصورت می‌توانستید در همان دانشگاه مورد علاقه‌تان دوره کارشناسی فیزیک را انتخاب کنید و بعد تادوره دکتری ادامه تحصیل دهید؟

● بله می‌شد. اما تعداد سالهای تحصیلی‌ام زیاد می‌شد. چون دورهٔ دکترای پیوسته فیزیک ۶ سال است اما اگر می‌خواستم به صورت ناپیوسته بخوانم از ۶ سال بیشتر می‌شد و من دوست نداشتم تعداد سالهای تحصیلی‌ام این قدر زیاد بشود. به همین خاطر بود که تصمیم گرفتم رشتهٔ برق را برگزینم.

○ چرا مهندسی برق؟ وقتی تصمیم گرفتید یک رشته مهندسی انتخاب کنید، روی سایر رشته‌های مهندسی هم تحقیق کردید؟

● من شناخت زیادی روی رشته مهندسی برق نداشتم. به پیشنهاد اطرافیان و دوستانی که در این رشته تحصیل کرده بودند آنرا انتخاب کردم. اما در کل بعد از حذف فیزیک به ۳ رشته فکر کردم، رشته مهندسی مکانیک، مهندسی برق و مهندس عمران. بجز این ۳ رشته به هیچ رشته دیگر فکر نکردم.

○ به هر حال رشته مهندسی برق را حتماً طبق یک سری اولویتها برگزیده‌اید. آن اولویتها چه بود؟

● رشته مهندسی برق اولاً سطح تئوریهایش بالا است و بُعد تئوریهای فیزیکش قوی است. همچنین بُعد عملی آن هم بالاست و از هر نظر مناسب است.

○ دربرگهٔ انتخاب رشته چند تا از اولویتها رلر کردید؟

● من ۳ تا رشته زدم و ۶ تا از اولویتها را پر کردم. اول رشتهٔ بیوتکنولوژی را که نیمه متمرکز بود زدم و بعد رشته مهندسی برق دانشگاه شریف و بعد رشته مهندسی مکانیک را زدم.

○ استرس و اضطراب از جمله عللی است که بعضی اوقات باعث می‌شود تا یک داوطلب نتواند

آنطور که باید دانسته‌های خود را نمایان کند. شما هم چنین اضطرابی داشتید؟

● فقط در جریان درس خواندن بعضی اوقات کمی استرس داشتیم، اما موقع امتحان خیر. اصلاً اضطراب نداشتم.

○ بعد از اتمام جلسه کنکور فکرمی‌کردید چه رتبه‌ای ممکن است کسب کنید؟ درصدهایی که برای

خود محاسبه کردید شبیه درصدهای نهایی شما بود؟

● بله. بعد از کنکور متوجه شدم که در کل ۳ تا غلط داشتم و درصدهایم را محاسبه کردم که در نهایت همان درصدهای درون کارنامه‌ام بود. آن موقع گمان می‌کردم که رتبه‌ام حتماً زیر ۱۰ خواهد شد.

○ درصدهای نهایی که در کارنامه داشتید چه بود؟

● ادبیات ۱۰۰٪، عربی ۹۴/۶٪، معارف ۱۰۰٪، زبان ۹۴٪، ریاضی ۱۰۰٪، فیزیک ۱۰۰٪، شیمی ۹۶٪

○ لطفاً کمی هم در ارتباط با خانواده تان بفرمائید.

● پدرم دبیر است و فوق لیسانس الهیات، مادرم نیز فوق لیسانس روان شناسی است. من ۲ تا خواهر دارم. خواهر کوچکم ۴ ساله است و خواهر دیگرم نیز اکنون سال اول دبیرستان را سپری می کند.

○ در یک سال گذشته شما در حد توان تلاش کردید و نتیجه دلخواه را هم کسب نمودید. از آنچه که در

این یک سال تجربه کسب کردید دوست دارید چه نکاتی را برای داوطلبان امسال بازگو کنید؟

● در ابتدا از تمام دبیران و مدیران مدرسه ام تشکر می کنم. آنها نه تنها در تعلیم مسایل و نکات درسی بسیار موفق بودند، بلکه در تعلیمات روحی که من از ایشان دریافت کردم بسیار زیاد مثمر و مفید بود. نکته ای که می خواهم به داوطلبان کنکور بگویم این است که، حال که باید در این سن کم مسیر زندگی مان را روشن و مشخص کنیم باید کمی بیشتر دقت کنیم. به نظر من بهتر است واقع بینانه نگاه کنیم و درست تصمیم بگیریم که حالا چه کنیم.

اول باید ببینیم دنبال چه هدفی هستیم. هدفمان را مشخص کنیم و در راه همان هدف گام برداریم. اول باید ببینیم که آیا لازم است اصلاً به دانشگاه برویم یا خیر. بهتر نیست که اکنون تصمیم بگیریم که چه بکنیم تا اینکه بعد از ۴ سال که عمرمان را در دانشگاه سپری کردیم تازه تصمیم بگیریم که حالا چه کنیم. باید از همین الان تصمیم بگیریم و هدف زندگی مان را تعیین کنیم و در همان مسیر هم تلاش کنیم. این یکساله کنکور گرچه سال سختی است اما برای من سالی خوب، مفید و آموزنده بود.

توی این یکسال به این نتیجه رسیدم که، قدرت اراده انسان تا کجا می تواند باشد. من تصمیم گرفتم که رتبه ام زیر ۵۰ بشود و همینطور هم شد. ما باید به آنچه که هستیم تکیه کنیم، نه به آنچه که دیگران فکر می کنند هستیم. باید به این فکر کنیم که خودمان از زندگی چه می خواهیم، نه اینکه به آنچه که دیگران دوست دارند فکر کنیم یا آن باشیم که دیگران می خواهند.

در مورد تعداد ساعات مطالعه در روز هم، یک داوطلب کنکور باید بداند تعداد واقعی

ساعات مطالعه آن تعداد ساعات مفید و کارآمدی است که انسان از آنها بهره گرفته است. ممکن است فردی در ۲۴ ساعت بیشتر از ۲۴ ساعت درس بخواند! یعنی اینکه تعداد ساعاتی که در روز درس می‌خوانند ارزش و کارایی اش بیشتر از ۲۴ ساعت باشد.

### با امکانات محدود می‌توان شگفتی آفرید\*

احمد ثابتی ۱۹ ساله سال اول رشته کاردانی برق صنعتی در آموزشکده ثامن الحجج و از جوانان خوب مشهدی است که جزء برگزیدگان جشنواره جوان خوارزمی در سال ۱۳۸۰ می‌باشد. او در یک خانواده ۵ نفری زندگی می‌کند. مادرش معلم دبستان و پدرش شغل آزاد دارد. او بزرگترین فرزند خانواده است. وبه مطالعه بسیار علاقمند می‌باشد. او اخلاق خوش داشتن، مهربان و خنده رو بودن را مهمترین دلایل موفقیت انسان بر می‌شمرد.

○ درباره طرحتان کمی توضیح دهید.

● در طرح اسیلوسکوپ یک LED یو دید نورانی به کار رفته است که شکل موج الکتريسته ورودی روی یک صفحه نمایش داده می‌شود. این دستگاه کار یک مولتی متر را نیز انجام می‌دهد.

○ آیا وسیله‌ای که ساخته‌اید در آزمایشگاه فیزیک کاربرد دارد؟

● بله، یک بخشی از آن می‌تواند در آزمایشگاه فیزیک مورد استفاده قرار گیرد ولی بخش عمده آن مربوط به الکترونیک می‌شود.

○ دوست دارید در دنیای علم تا کجا پیش بروید؟

● تا هر جایی که توانش را داشته باشم.

○ عامل موفقیت شما چه بوده است؟

● اول لطف خداوند و تشویقهای پدر و مادرم همچنین توجه مربیان و معلمان دلسوز هنرستانی که در آن مشغول به تحصیل هستم.

○ هدف شما از این تلاش چه بوده است؟

● هدف اصلی ام این بود که دستگاه مورد نظر را با الگویی جدیدتر، کم حجم تر و کم هزینه تر بسازم.

○ به نظر شما یک مخترع نمونه چه خصوصیتی دارد؟

● از امکانات موجود بیشترین استفاده را برای کاری که می خواهد انجام دهد، داشته باشد. و به دنبال برخورداری از امکانات زیاد نباشد. چون با امکانات محدود نیز می توان نوآوری های شگفت انگیزی ارائه داد.

○ چطور شد به فکر ساخت چنین وسیله ای افتادید؟

● تقریباً اتفاقی با طرح اولیه آشنا شدم و تصمیم گرفتم این طرح را ادامه دهم.

○ سخن شما با جوانان چیست؟

● آرزوی موفقیت برای همه جوانان و همه همسن و سالان خودم دارم. سعی و تلاش فراوان و امید به آینده داشته باشند که همین فاکتورها سبب موفقیت و پیروزی آنها می شود.

○ زیباترین و تلخ ترین خاطره ای را که در این راه به خاطر دارید بیان کنید!

● زیباترین خاطره ام انتخاب شدن طرحم است و تلخ ترین خاطره سوختن قسمتی از دستگاه بر اثر یک اشتباه بود که باعث شد کار اتمام ساخت دستگاه یکماه به تأخیر بیافتد.

○ برای آینده چه نقشه ای دارید؟

● درسم را ادامه دهم و روی طرحی به نام ترن مغناطیسی کار کنم. دوست دارم در آینده مهندس برق شوم.

### خوشبختی محصور شده در یک چیز نیست\*

○ آقای ابراهیم زاده برای کسب رتبه تک رقی در کنکور سراسری از چه زمانی مطالعه را آغاز کردید

و هدفتان از ابتدا کسب یک رتبه زیر ۱۰ بود؟

● من از اواسط شهریور شروع کردم. یعنی دقیقاً بعد از اینکه ویژه نامه اعلام اسامی قبول

\* گفتگو با سیدامیر ابراهیم زاده، نفر ششم گروه آزمایشی علوم تجربی در سال ۱۳۸۰ از مرکز شهید اژه ای اصفهان

شدگان پارسال اعلام شد من برنامه ریزی کردم که برای کنکور سال بعد بتوانم جزو پذیرفته شدگان در رشته مورد علاقه ام باشم. آن زمان اصلاً به رتبه تک رقمی فکر نمی کردم ولی مطمئن بودم که رتبه زیر ۱۰۰۰ بدست می آورم. اما من یک رتبه دو رقمی زیر ۱۰۰ می خواستم زیرا در رشته و دانشگاهی که مورد نظرم بود با چنین رتبه ای می توانستم قبول شوم.

○ اشاره کردید که بعد از اعلام اسامی قبول شدگان درس خواندن به منظور کنکور را شروع کردید؟  
انتخاب این زمان دلیل خاصی داشت؟

● فکر کردم از آن به بعد به ما می گویند کنکوری و از آن زمان به بعد ما جزو کنکوریها بودیم و اینکه می خواستم سال بعد من هم جزو کسانی باشم که اسمشان در میان اسامی قبول شدگان نهایی قرار دارد.

○ گفتید از شهر یورماه پارسال برنامه ریزی برای چگونه خواندن و شیوه مطالعه را آغاز کردید. این برنامه ریزی شما به چه صورت بود؟

● همانطور که گفتم از نیمه شهریورماه شروع کردم. اول سعی کردم دروس زیست شناسی و شیمی را بخوانم که از کلاس کمی جلوتر باشم دروس ریاضی و فیزیک قوی بود و همزمان با کلاس جلو می رفتم.

من سعی می کردم ضمن اینکه فصلهایی که تدریس می شود بلد باشم، حداقل یک فصل هم جلوتر باشم و وقتی آن درس تدریس می شود بتوانم بفهمم که آیا آن مطلب که خوانده ام را یاد گرفته ام یا نه. تا عید تقریباً همه درسها را خوانده بودم. دروس عمومی را نیز بعد از عید تمام کرد. برای اینکه نقاط ضعف و قوت درس خواندنم را بهتر بشناسم در کنکورهای آزمایشی هم شرکت می کردم.

○ برای کنکور روش مطالعه خاصی رلرگزیدید یا اینکه روش مطالعه شما همچون سالهای قبل تحصیلتان بود؟

● نه، طرز درس خواندنم تغییر نکرد. شاید یک مقدار حجم درس خواندنم بیشتر شد اما روش مطالعه ام را عوض نکردم. لزومی نداشت که این کار را بکنم. علاوه بر این عوض کردن روش مطالعه که به این سادگی نیست آدم باید به یک شیوه درس خواندن عادت کند.

○ با هفته نامه پیک سنجش هم آشنا بودید؟ مطالب نشریه چقدر برای شما مثر بود؟



● بله، از این هفته نامه هم استفاده می‌کردم. قسمت مصاحبه و پاسخ به نامه و همچنین صفحه‌ها همراه را همیشه مطالعه می‌کردم. در صفحات مصاحبه مطالبی می‌خواندم که برایم خیلی جالب بود و با علاقه آن مطالب را دنبال می‌کردم.  
○ در صفحات مصاحبه بار تبه‌های پرترکنکور به چه نکاتی بیشتر توجه می‌کردید؟ این مصاحبه‌ها از چه نظر برای شما جالب بود؟

● خب حرفهایی که می‌زدند، تنوع سلیقه‌ها و تنوع روش‌ها و موضوعاتی که به آنها اشاره می‌کردند. کم پیش می‌آمد که دو نفر یک راه مطالعه را بیان کنند. یکی می‌گفت ۴ ساعت درس می‌خوانده و یکی اظهار می‌کرد روزانه ۱۴ ساعت درس می‌خوانده است. یکی می‌گفت شبها درس می‌خواند و یکی روزها بهتر درس می‌خوانده. من همه حرفها و موضوعاتی که در مصاحبه به آنها اشاره می‌کردند را می‌خواندم و سعی می‌کردم ببینم در آن میان من در کجا قرار دارم و آیا شباهتهایی هم برای من وجود دارد یا خیر.  
○ یعنی هیچ نکته مشترکی بین گفته‌های آنان نمی‌دیدید؟

● تنها چیز مشترکی که بین آنها دیدم این بود که آدمهای سخت کوش و با اراده‌ای بودند. نکته مشترک بین تمام آنها اراده و تلاش مثال زدنی آنها بود.  
○ آقای ابراهیم زاده گفتید روشهای مطالعه متفاوتی را می‌توان در گفتگوهایی که بار تبه‌های پرتر کنکور چاپ می‌شود خواند. فکرمی‌کنید می‌توان در این میان یکی از روشهای مطالعه آنان رلرگزید و همچون آنها موفق بود؟

● ببینید، مسلماً روشهای درس خواندن بسیار متفاوت است. اگر کسی با یک روش مطالعه توانست موفق شود این دلیلی نیست که دیگری هم با استفاده از همان روش بتواند آن موفقیت را کسب کند. هرکس با توجه به شرایط و موقعیت خودش باید راهی را برگزیند. راهی که بداند با آن هماهنگی دارد و می‌تواند از آن طریق به خواسته و هدفش برسد.  
○ شما قبلاً گفتید از ابتدا تمایل داشته‌اید که یک رتبه دورقمی زیر ۱۰۰ داشته باشید، برای آنکه بتوانید رشته و دانشگاه مورد نظر خودتان رلرگزینید. رشته مورد نظر شما از ابتدا پزشکی بود؟

● بله، دقیقاً از سال دوم دبیرستان که خواستم رشته انتخاب کنم پزشکی مد نظر بود و در نهایت تصمیم گرفته بودم که برای دانشگاه این رشته را برگزینم.  
○ پزشکی فقط رشته مورد نظرتان بود یا اینکه مورد علاقه‌تان نیز بود؟ به رشته دیگری هم به جز

### پزشکی فکر کرده بودید؟

● رشته پزشکی در میان تمام رشته‌های دیگری که درباره‌شان تحقیق کرده بودم برای من مناسبتر بود. این رشته را هم دوست دارم هم یکی از رشته‌های مورد علاقه‌ام است و هم می‌دانم که می‌توانم در آن موفق باشم. قبلاً هم گفتم که پیرامون خیلی رشته‌ها تحقیق کردم ولی در نهایت احساس کردم که رشته پزشکی برای من مناسبتر است.

○ امسال در همان مدرسه و کلاسی که شما دوره پیش‌دانشگاهی را به‌تمام رساندید، ۲ نفر دیگر از هم‌کلاسیان تان رتبه‌های اول و دوم گروه علوم تجربی را به‌خود اختصاص دادند. با یکی از هم‌کلاسیان تان که رتبه دوم کنکور را کسب کردند قبلاً مصاحبه کردیم. ایشان گفتند که سطح نر مال کلاستان بسیار بالا بوده تا آنجا که اکثر آرتبه ۲ رقیمی کسب کرده‌اند. با این وجود شما می‌گوئید که در فکر یک رتبه حدود ۱۰۰ بوده‌اید. آن زمان اعتماد به نفس نداشتید؟ با وجود اینکه در کنکورهای آزمایشی نیز شرکت می‌کردید نمی‌توانستید حدس بزنید که رتبه خوبی کسب خواهید کرد؟

● بله، دوره پیش‌دانشگاهی ما یک کلاس ۳۰ نفری داشتیم که از این تعداد ۱۵ نفر رتبه زیر ۵۰ منطقه یک را کسب کردند بقیه هم رتبه‌های ضعیفی نداشتند. فکر کنم بقیه نهایتاً رتبه ۳ رقیمی زیر ۵۰۰ شدند، شاید از این میان فقط یک یا دو نفر بودند که رتبه‌شان چندان خوب نشد. من هم آن اوایل فکر می‌کردم که یک رتبه زیر ۱۰۰ را شاید بیاورم، اما هرچه زمان جلوتر می‌رفت این احساس که ممکن است حتی رتبه زیر ۲۰ داشته باشم در من قوی‌تر می‌شد. من اعتماد به نفس خوبی داشتم. کلاسمان واقعاً از یک سطح بسیار خوبی برخوردار بود. رقابت بسیار خوبی با هم داشتیم. یکی از دلایل موفقیت‌مان نیز همین بود که با هم می‌خواندیم، همه بعد از کلاس در نمازخانه و یا در کتابخانه‌ای که در نزدیکی دبیرستانمان بود جمع می‌شدیم و در گروه‌های ۵ یا ۶ نفری با هم درس می‌خواندیم و کارها بین همه تقسیم می‌شد.

### ○ آقای ابراهیم زاده شما آدم باهوشی هستید؟

● هوش یک معیار تعریف شده و مشخص ندارد. من فکر می‌کنم خواست و اراده، تلاش و هوش با هم باعث شد که من موفق شوم، شاید از نظر خیلی‌ها آدم باهوشی باشم اما نمی‌توانم بگویم به خاطر تنها هوش توانستم چنین رتبه‌ای کسب کنم. خیلی افراد بوده‌اند که از من هم باهوشتر بوده‌اند اما به خاطر نداشتن برنامه‌ریزی یا با برنامه‌ریزی غلط و نداشتن تلاش لازم

نتوانستند موفق باشند. و برعکس عده‌ای نیز ممکن است چندان هم باهوش نبوده‌اند اما با تلاش مضاعف و پشتکار بیشتر موفق شدند و به خواسته‌شان رسیده‌اند. اما اگر کلاً یک آدم باهوش مدنظر تان است، با وجود اینکه تعریف مشخصی برای هوش نیست اما خودم احساس می‌کنم تا حدودی باهوش هم هستم.

○ بعد از اتمام جلسه کنکور حدس می‌زدید چه رتبه‌ای کسب کنید؟ تا قبل از دیدن کارنامه از رتبه تان مطلع نشدید؟

● بعد از کنکور که با دوستان صحبت کردم دیدم بیشتر بچه‌ها از امتحان راضی بوده‌اند، بعد از اینکه درصدهایم را حساب کردم و بعد از صحبت با تعدادی از دوستان حدس زدم که در بین دانش‌آموزان اصفهانی ممکن است من نفر پنجم باشم و با احتساب داوطلبان سایر شهرها با خود فکر کردم که به هر حال یک رتبه دو رقمی کسب خواهم کرد. کارنامه‌ها قرار بود از شنبه توزیع شود اما دوستانم که رتبه‌های اول و دوم را کسب کرده بودند از قبل می‌دانستند و به من گفتند که ۳ نفر از اصفهان رتبه زیر ۱۰ حاصل کرده‌اند. من با خودم فکر کردم احتمالش کم است که من آن نفر سوم باشم. روز شنبه که رتبه کارنامه را گرفتم دیدم که رتبه‌ام ۶ شده. رتبه‌ام در منطقه ۶ بود و همینطور در کل.

○ خانواده انتظار چنین رتبه‌ای را از شما داشتند؟ عکس‌العمل ایشان بعد از اینکه رتبه شما را فهمیدند چه بود؟

● پدر و مادرم تقریباً می‌دانستند که رتبه خوبی خواهم داشت اما رتبه زیر ۱۰ نه. چون من خودم هم نمی‌دانستم که چنین رتبه‌ای کسب می‌کنم. هم برای خودم و هم برای خانواده‌ام چیزی که بیشتر جالب بود این بود که ۳ نفر از یک شهر و از یک کلاس رتبه تک رقمی شده‌اند.

○ آقای ابراهیم زاهد درصدهایی را که بعد از کنکور برای درسها محاسبه کردید دید همان درصدهایی بود که در کارنامه شما ثبت شده بود؟

● بله، همان درصدهایی که فکر می‌کردم داشته باشم در کارنامه‌ام داشتم. منتها فقط در مورد ریاضی من فکر می‌کردم که ۱۰۰٪ زده باشم که اشتباه کردم و گویی ۱ غلط داشتم.

○ درصدهای ثبت شده در کارنامه تان اکنون به خاطر دارید؟

● بله، کپی کارنامه را اکنون به همراه دارم.

ادبیات ۹۴/۷٪، عربی ۸۴٪، معارف اسلامی ۱۰۰٪، زبان انگلیسی ۹۴/۷٪،  
زمین‌شناسی ۴۱/۴٪، ریاضی ۹۵/۶٪، زیست‌شناسی ۹۴/۷٪، فیزیک ۹۵/۵٪، شیمی  
۱۰۰٪.

○ خودتان از این درصدها راضی بودید؟

● بله. اما نمی‌دانم چرا ریاضی ۹۵/۶٪ شد. فکر می‌کردم که باید ۱۰۰٪ زده باشم. در مورد عربی هم فکر می‌کنم از همه بدتر زدم. البته در مورد عربی ضعیف بودم اما در نهایت از این بهتر نتوانستم بزنم.

○ گویی برای درس عربی از معلم خصوصی هم استفاده کردید، اما در نهایت راضی نبودید؟

● بله برای درس عربی از معلم خصوصی بهره بردم اما به هر حال در این درس ضعیف بودم و تلاشم را انجام دادم.

○ لطفاً کمی هم در ارتباط با خانواده‌ی‌ت‌بفرمائید.

● پدر و مادرم پزشک هستند. یک خواهر بزرگتر دارم که اکنون دانشجوی رشته علوم تربیتی است و یک برادر هم دارم که در سال دوم راهنمایی مشغول تحصیل است.

○ اضطراب و استرس قبل از امتحان معمولاً برای اکثر داوطلبان کنکور وجود دارد. شما هم درگیر

چنین اضطرابی شدید؟

● بله، فقط سر جلسه کنکور یک لحظه درگیر استرس شدم و همان موقع هم آن اضطراب و استرس و نگرانی را از خودم دور کردم اما جالب اینجاست، دقیقاً همان ثانیه که آن حالت اضطراب به من دست داد باعث شد تا در مورد یکی از سؤالهای درس ادبیات که آسانترین سؤال کنکور بود اشتباه بزنم. در طول مدتی که برای کنکور درس می‌خواندم چندان اضطراب نداشتم و فکر می‌کنم این به خاطر جو و محیط خوبی بود که در آن بودم چون بعد از اینکه به تهران آمدم، وقتی به میدان انقلاب وارد شدم به یکباره با حجم وسیعی از تبلیغات رنگارنگ کلاسهای کنکور مواجه شدم و ناخودآگاه دچار استرس شدم. گرچه آن زمان نتیجه کنکور هم اعلام شده بود و می‌دانستم که رتبه ۶ شده‌ام، اما با این وجود احساسی در من بوجود آمد که داوطلبان کنکور تهرانی با این همه مؤسسه و آموزشگاه باید حتماً از سطح سواد بالایی برخوردار باشند، اما با خودم گفتم که من رتبه ۶ شده‌ام. این تبلیغات فقط استرس داوطلبان تهرانی را افزایش می‌دهد نه سطح سواد آنها را. واقعاً اگر بررسی شود حتماً مشخص خواهد

شد که این حجم وسیع تبلیغات کلاسهای کنکور چه تأثیر منفی روی داوطلبان تهرانی می‌گذارد.

○ یک سال گذشته تجربه‌هایی کسب کردید که شاید تک‌تک آنها برای داوطلبان کنکور امسال مفید و شنیدنی باشد. آنچه تا کنون در جواب سؤال‌هایمان پاسخ‌گفتید، نکاتی بود در مورد سؤال ما. اکنون از تجربه‌های مفید یکسال گذشته آنچه که دوست دارید به داوطلبان امسال کنکور هدیه دهید لطفاً به عنوان مطلب آخرفرما بیاید.

● خیلی چیزها را شما پرسیدید و فکر نمی‌کنم چیزی باقی مانده باشد که خودم بگویم. فقط دوباره به مهمترین شان اشاره می‌کنم. اول اینکه واقعاً داوطلبان کنکور سعی کنند اضطراب و استرس را همراه با تلقین‌های منفی از خود دور کنند. هر جا که فکر می‌کنند استرس آنها را افزایش می‌دهد نروند، هر موضوعی که آنها را در اضطراب وارد می‌کند کنار بزنند. جلسه کنکور چیز خاصی نیست، جلسه کنکور شبیه یک معرفی است، معرفی شخصی، شبیه جایی است که آدم می‌رود و از آدم اسم و فامیل و مشخصات فردی را می‌پرسند.

در جلسه کنکور هم فقط معلومات دروس دبیرستانی را از آدم می‌پرسند. حال یا بلد هستیم یا نه. جز مطالب درسی دبیرستان هم چیزی نمی‌پرسند. اگر بلد باشیم که پاسخ می‌دهیم و می‌توانیم رشته مورد علاقه‌مان را انتخاب کنیم و ادامه تحصیل بدهیم اگر هم بلد نباشیم که خوب حقمان نیست که به دانشگاه وارد شویم. جلسه کنکور واقعاً مشخص می‌کند چه چیز حقمان است و اگر معلوماتمان به آن حد باشد که در رشته مورد خواسته‌مان بتوانیم وارد شویم، می‌شویم، در غیر این صورت نمی‌شویم و این استرس و اضطراب ندارد. به جای استرس و اضطراب باید سطح معلومات خود به آن حد برسانیم که بدون حرف و حدیثی در کنکور آن طور که می‌خواهیم موفق شویم.

در مورد چگونگی و نحوه درس خواندن هم می‌خواهم باز مطلبی را اضافه کنم و آن اینکه داوطلبان کنکور سعی کنند حتماً برنامه‌ریزی داشته باشند، بدون برنامه‌ریزی به هیچ هدفی نمی‌توان دست یافت. بدون برنامه‌ریزی در هیچ‌کاری امکان ندارد موفقیت حاصل شود. حال منظور از برنامه‌ریزی این نیست که یک خودکار و یک کاغذ برداریم و روی کاغذ بنویسیم که چه باید بکنیم، و چه نباید بکنیم. چه وقت باید چه کاری بکنیم و... منظور از برنامه‌ریزی این است که بدانیم چقدر زمان داریم و در طول این مدت زمان باید چه کارهایی

انجام دهیم. به نظر من بهتر آن است که هر روز آدم به عقب برگردد و به مطالبی که خوانده است نگاه کند، ببیند چیزی آموخته یا نه. ببیند خوب فهمیده یا نه. این برگشت مدام به عقب باعث می‌شود که آدم همیشه از نحوه عملکرد خود آگاهی یابد. در غیر این صورت یک وقت نگاه می‌کند می‌بیند ۹ ماه گذشته و همه مسیری که آمده اشتباه بوده است.

در مورد انتخاب رشته، دوستان سعی کنند هنگام انتخاب رشته فقط به این فکر نکنند که فلان رشته را دوست دارند، باید ببینند که آیا در آن رشته می‌توانند موفق باشند؟ آیا دروسی که در آن رشته تدریس می‌شود مورد علاقه‌شان هست یا خیر؟ ببینند آیا در آینده تمایل دارند با آن کنار بیایند یا نه؟ این را همیشه باید در نظر داشت که خوشبختی فقط در یک چیز خاص محصور نشده است و خوشبختی فقط در یک رشته مثلاً در رشته پزشکی یا مهندسی محصور نیست.

در آخر هم می‌خواهم این را بگویم که کنکور و موفقیت در آن نه شانس است و نه اتفاقی. تقریباً ۹۰ درصد کنکور حساب  $2 \times 2 = 4$  است. بیشتر از ۹۰ درصد موفقیت و کسب رتبه دلخواه در کنکور با حساب و کتاب است. اینطور نیست که کسی فکر کند رتبه‌اش ۳ رقمی می‌شود آن وقت نتایج اعلام شود و یک مرتبه ببیند رتبه یک رقمی شده. عکس این هم ممکن نیست. به هر حال کنکور چیزی بی حساب و کتاب و شانس نیست.

### آموزش مذهبی کودکان و عمل به آن فساد را از جامعه می‌زداید\*

معمولاً در قصه‌ها درباره ایتار و از خودگذشتگی یک مادر چیزهای زیادی نوشته شده است. اما اینبار در شهر مقدس قم با مادر جوانی آشنا می‌شویم که برای به کمال رساندن دختر خردسالش تمامی امکانات خوب زندگی‌اش را در محل سکونت خود رها می‌کند و همراه دو فرزندش به شهری دیگر می‌رود تا زمینه مناسب رشد مذهبی او را فراهم آورد. جداسدن از همسر و خانه و زندگی و اسکان گرفتن در زیرزمینی اجاره‌ای با حداقل امکانات رفاهی، از نظر ماکاری عجیب و باورنکردنی است که کمتر مادری حاضر به انجام

این فداکاری بزرگ است.

گفت و گو با این خانواده فرصتی به ما می‌دهد تا کمی بیشتر درباره زیاده خواهی‌ها و انتظاراتمان از زندگی اندیشه کنیم و بیش از همیشه به رشد معنوی کودکان و بالندگی آنان بیاندیشیم.

سمیه بیاتی که ۸ بهار از زندگی اش می‌گذرد. از سن ۴/۵ سالگی در شهر مقدس قم شروع به حفظ قرآن کریم کرده است.

سمیه درباره چگونگی حفظ سوره‌های قرآن می‌گوید:

○ برای ما بگو که چگونه در سن شش سالگی قرآن کریم را بطور کامل حفظ کردی؟

● کلاس‌های آموزشی من از سن ۴/۵ سالگی نزد حاج آقا طباطبایی شروع شد.

درس‌های ایشان را در خانه با مادر تمرین می‌کردم. ساعت‌ها تمرین باعث شد تا با کمک خداوند متعال و ائمه اطهار و با همراهی مادرم قرآن را بطور کامل حفظ کنم.

○ وقتی قرآن می‌خوانی چه احساسی پیدامی‌کند؟

● احساس خوشحالی دارم و از خدا تشکر می‌کنم که این نعمت را به من داده تا بتوانم کل

قرآن را حفظ کنم.

○ در چه مسابقاتی شرکت کرده‌ای؟

● در مسابقه سراسری شهریار مقام اول را کسب کردم و در مسابقات جامعه القرآن مقام‌های دوم و سوم را به دست آوردم. در ماه رمضان نیز به دعوت سفارت ایران در لبنان به اتفاق پدرم به سوریه و لبنان رفتیم و یکماه تمام در آنجا میهمان سفارت ایران بودیم. در این مدت در لبنان با استادان مصری مانند استاد متولی عبدالعال شیخ سعید و پسرانشان انور و آقایان پوراحمدی و پناهی دیدار داشتیم و در آنجا من به قرائت قرآن پرداختم.

○ عکس‌العمل استادان مصری چه بود؟

● خیلی تعجب می‌کردند که دختر بچه‌ای به سن و سال من می‌تواند به سؤالات آنها

جواب دهد.

○ وقتی به کشور برگشتی چه احساسی داشتی؟

● خیلی خوشحال بودم. جاهای زیادی را دیده بودم و با اساتید بزرگی آشنا شده بودم

همه چیز خیلی جالب بود. فقط جای مادر در سفر بسیار خالی بود.

○ خانم زهرا بیات هاشمی مادر سمیه در مورد فرزندش چنین می‌گوید: سمیه خانم دومین فرزند خانواده است و از سن ۴/۵ سالگی شروع به حفظ سوره‌های قرآن کرد. ایشان خردسالترین حافظ کل قرآن در کشور و یا احتمالاً در جهان می‌باشند.

○ در مورد خصوصیات دوران کودکی سمیه بیشتر بگویید؟

● سمیه خانم فرزند دوم ما هستند و ما برای تربیت او آمادگی و تجربه بیشتری داشتیم. و در ضمن مشکلاتی را که در هنگام رشد فرزند اولمان با آن مواجه بودیم در دوران سمیه به انتها رسیده بود. خواب و استراحت سمیه خانم همیشه با شنیدن نوای قرآن بود. از بدو تولد با نوای قرآن به خواب می‌رفت و شیر می‌خورد هنگامی که مشغول کار می‌شدم برای آرام نگه داشتن سمیه خانم نوار قرآن را در ضبط می‌گذاشتم و سمیه با صدای آن آرام آرام بازی می‌کرد.

● کلمه «ان» اولین کلمه‌ای بود که سمیه خانم بر زبان آورد. وقتی تلاوت آیات قرآن در تلویزیون پخش می‌شد، اودستش را مانند قاری قرآن کنار گوشش می‌گذاشت و کلمه «ان» را با صدای بلند می‌کشید. در این زمان متوجه شدم که او آمادگی فراگیری قرآن را دارد.

○ در چه سنی و چگونه به او آموزش دادید؟

● وقتی سمیه خانم یکسال و نیمه بود به او سوره کوثر را آموختم. در ۴/۵ سالگی آیه به آیه از روی قرآن برایش می‌خواندم و کلمات را به او نشان می‌دادم. او از همان سن شروع به یادگیری کلمات و قرائت قرآن و حفظ آن کرد. بطوریکه در عرض یکسال و نیم تمام آیه‌های قرآن را روخوانی می‌کرد.

○ بعد چکر دید؟

● این همه استعداد باعث شد تا با اجازه همسرم برای فراهم آوردن زمینه مناسب رشد سمیه خانم به اتفاق دختر بزرگم از شهریار به قم نقل مکان کنم. همسرم که کشاورز است، در شهریار زندگی می‌کند و من و فرزندانم هم در قم ساکن هستیم.

● برای اینکه سمیه خانم علمی‌تر به حفظ قرآن بپردازد، او را در امتحان ورودی کلاس‌های حاج آقا طباطبایی شرکت دادیم و سمیه خانم از بین ۳۰۰ نفر، نفر هفدهم شد. و از آن موقع تا کنون در این مرکز مشغول یادگیری قرآن است.

○ خانم هاشمی بفرمایید برای تولد چنین بچه‌هایی نیاز به رعایت چه چیزهای خاصی در دوران



### بارداری می‌باشد؟

● همانطور که گفتم هنگام بارداری فرزند اولم چون با اقوام همسر در یک خانواده جمعی زندگی می‌کردم، نتوانستم شرایط دلخواه را برای رشد او فراهم کنم. اما در دوران بارداری سمیه خانم شرایط زندگی ما تغییر کرد و ما زندگی مستقلی را آغاز کرده بودیم. در دوران بارداری ام ۱۴ ساعت در روز به آیات قرآن گوش می‌دادم و بعضی سوره‌ها را نیز هنگام انجام کارهای روزمره زمزمه می‌کردم. از نظر حلال و حرام نیز بسیار مراقب غذاهایی که مصرف می‌کردم، بودم. غذایی را که توسط دیگران تهیه می‌شد نمی‌خوردم، زیرا از حلال و حرام بودن آن مطمئن نبودم. تمام تلاش و هدفم این بود که نوزادی صالح به دنیا بیاورم که به درد جامعه بخورد که الحمدلله در این زمینه تا حد زیادی موفق شدم.

○ نقش والدین را در گرایش بچه‌ها به مسایل مذهبی و رعایت دستورات دینی چگونه می‌بینید؟

● اول از همه خانواده باید خودش را بسازد و با مفاهیم قرآن و تعالیم مذهبی آشنا شود تا بعدها بتواند فرزندانش را با قرآن مانوس سازد و زمینه را برای تربیت مذهبی بچه‌ها فراهم کند. من و همسر برای تربیت مذهبی و آموزش قرآن به فرزندانمان مجبور شدیم زندگی نسبتاً راحت‌مان را رها کنیم و معنویات را جایگزین مادیات کنیم. از رفت و آمدهای بیهوده جلوگیری کنیم و از زمانمان حداکثر استفاده را برای آموزش فرزندانمان بخصوص سمیه خانم بکار ببریم.

آموزش قرآن در سنین پایین به کودکان و حفظ آن کار بسیار سخت و گاه طاقت فرساست و نیاز به صبر زیادی دارد که تنها با توسل به ائمه اطهار می‌توان از پس همه آنها برآمد. برای اینکه سمیه خانم در حفظ آیات قرآن موفق عمل کند ما از تفریحات خودمان گذشتیم و زندگی‌مان را در اختیار او قرار دادیم. همانطور که گفتم این کار زحمت زیادی دارد، ولی این زحمت پاداش دنیوی و اخروی دارد. پس می‌ارزد که انسان چند سال زندگی دنیوی را به دنیای اخروی نفروشد. سرمایه‌گذاری روی آموزش چنین بچه‌هایی باعث می‌شود جامعه تا اندازه زیادی از هجوم فرهنگ‌های غربی و فساد در امان بماند و ما هرچه بیشتر به جامعه پاک الهی نزدیکتر شویم.

○ سمیه خانم چه خاطره خوبی از دوران زندگی‌اش دارد؟

● ایشان به برکت قرآن دیداری با رهبر معظم انقلاب داشتند. در اختتامیه مسابقات

بین‌المللی قرآن از لحظه‌ای که مسابقه به پایان رسید تا آخرین ساعت دیدار ایشان با سمیه صحبت می‌کردند و سؤالات متعددی درباره قرآن از سمیه پرسیدند و در تمام مورد سمیه را مورد تشویق قرار دادند.

سمیه ادامه می‌دهد: آقا مثل یک پدر مهربان در کنار من نشستند و دستشان را روی سر من قرار دادند. دست و پاهایم می‌لرزید. باورم نمی‌شد که روزی پیش آقا بروم و ایشان دست روی سر من بکشند و با من صحبت کنند.

○ سمیه خانم؛ چه صحبتی برای هم سن و سالهای خودت داری؟

● به خواهران هم سن و سالم بگویید: حجابشان را رعایت کنند و چادرهایشان را سرکنند و تاجایی که برایشان میسر است، قرآن بخوانند.

○ خانم بیات هاشمی برای مادرانی که در آرزوی داشتن فرزند صالحی همانند سمیه خانم هستند چه

صحبتی دارید؟

● من به عنوان یک خواهر کوچکتر از مادران عزیز خواهش می‌کنم با قرآن و مفاهیم آن آشنا بشوند و قرآن را درک کنند. حتماً همه بچه‌ها را نباید حافظ قرآن تربیت کرد. همین که آنها را با داستانهای قرآنی تفاسیر و معانی قرآن آشنا کنیم و آنان را علاقمند به مطالعه کتب مذهبی نماییم کافی است. باور کنید هر وقت که ناهنجاری‌ها را در جامعه می‌بینم قلبم به درد می‌آید و با خودم می‌گویم وقتی خانواده‌های شهدا این وضع را مشاهده می‌کنند چه احساسی پیدا می‌کنند. بهر حال ما به عنوان والدین مسئول تربیت مذهبی و اخلاقی فرزندانمان هستیم و باید در برابر اشتباهاتمان پاسخگو باشیم. بهر حال از همه شما التماس دعا داریم.

**نقطه ایستادن قدمه‌ها، خط پایان است.\***

خانم زیبا رهبر از داوطلبان موفق کنکور سال ۱۳۸۰ است که اکنون ترم دوم رشته پزشکی را در دانشگاه تهران تجربه می‌کند.

\* گفتگو با خانم زیبا رهبر، رتبه پنجم گروه آزمایشی علوم تجربی در سال ۱۳۸۰ از مرکز فرزندان تهران (سپید) /

او تحصیلات دوره متوسطه را در دبیرستان فرزنانگان تهران به اتمام رسانده است. وی از جمله دانش آموزان شرکت کننده در المپیاد زیست‌شناسی بود که پس از طی مراحل مختلف این المپیاد بالاخره مدال نقره کشوری را از آن خود نمود و پس از آنکه در تیم ۶ نفره زیست‌شناسی قرار نگرفت تصمیم گرفت کنکور را تجربه کند. تجربه‌ای که نتیجه‌ای بسیار خوب در پی داشت. او معتقد است سهم عمده‌ای از هر موفقیتی و بویژه موفقیت در کنکور از آن تلاش و پشتکار و اراده و انگیزه‌ای قوی است. در ادامه خلاصه‌ای از آنچه را که با ایشان گفتگو شد خواهید خواند.

○ خانم رهبر؛ قبل از کسب چنین رتبه دلنشینی در کنکور، شما در المپیاد دانش‌آموزی هم شرکت کردید؛ اما نتیجه دلخواه عاید شما نشد. چرا؟

● بله. من در المپیاد دانش‌آموزی رشته زیست‌شناسی شرکت کرده بودم. تقریباً تا مرحله نهایی هم موفق بودم، اما متأسفانه نتوانستم جزو تیم ۶ نفره باشم و با کسب مدال نقره از ادامه راه حذف شدم. فکر کنم مسایلی متفاوتی باعث شد تا نتوانم مدال طلا را کسب کنم.

○ چه عواملی را در کسب مدال نقره المپیاد رشته زیست‌شناسی به جای طلا دخیل می‌دانید؟

● چند تا درس بود که در نهایت تعیین کننده شد و دیگر اینکه آشنایی چندانی با نحوه سؤالات نهایی‌اش نداشتم، می‌توانم بگویم آن چیزها و مطالبی که برایم اهمیت نداشت در نهایت مهم و تعیین کننده شد. البته تقصیر کم کاری و زیاد خوابیدنم هم بود.

○ قبل از اعلام نتایج المپیاد فکرمی‌کردید که شاید جزو ۶ نفر تیم نباشید؟ مدال نقره را حدس

می‌زدید؟

● من انتظار مدال طلا را داشتم و فکر می‌کنم خیلی‌ها مثل من انتظار داشتند طلا بشوند و

جزو تیم باشند.

○ در این صورت از قبل هیچ آمادگی خاصی برای کنکور نداشتید. اینطور به نظر می‌رسد که تمایل

داشتید با کسب مدال طلای المپیاد، کنکور را حذف کنید.

● راستش اصلاً به کنکور فکر نمی‌کردم، چون اصلاً جو مدرسه ما کنکوری نبود و

معمولاً هرکس به یک موضوع علاقه داشت و همان را هم دنبال می‌کرد. من هم به

زیست‌شناسی علاقه داشتم و ترجیح دادم زیست‌شناسی بخوانم این بود که اصلاً هیچ آمادگی

خاصی برای کنکور نداشتم.

○ از کی برای کنکور بر نامه ریزی کردید؟

● تقریباً اواخر شهریور نتایج المپیاد اعلام شد. بعد که متوجه شدم مدال نقره هستم، یک هفته مسافرت رفتم و از اواسط مهرماه بود که تقریباً کنکوری خواندم.

○ معمولاً دانش آموزان بعد از اتمام سال سوم دبیرستان برای کنکور بر نامه ریزی می کنند، شما در طول تابستان درگیر المپیاد بوده اید و همانطور که گفتید از اواسط مهرماه شروع کردید. آن زمان فکر نکردید بر است و در مقایسه با سایر داوطلبان مشکلی نداشتید؟

● خوب، همانطور که گفتم اصلاً به کنکور فکر نکرده بودم. آخر تابستان بعد از اعلام نتایج المپیاد یک دفعه افتادم وسط کنکور. همه کنکوری شده بودند. جو کنکوری شده بود و من سعی کردم سریعتر خودم را به جرگه کنکورهای نزدیک کنم.

○ می گوید جو کنکوری شده بود و همه کنکوری می خواندند. جو کنکوری یعنی چه؟

● یعنی اینکه همه نکته ای می خواندند، بروز نمی دادند که چقدر خوانده اند یا می خوانند. تست کار می کردند و در کل جوی بود که در سالهای قبل تجربه نکرده بودم.

○ شما چطور به جرگه کنکورهای پیوستید؟

● همانطور که گفتم از اواسط مهرماه شروع کردم. ابتدا جزوه های دوستانم را که در دوره تابستان تهیه کرده بودند، گرفتم و همه را خواندم. بعد هم طبق برنامه های پیش دانشگاهی عمل کردم و تأکیدم بیشتر روی دروس پیش دانشگاهی بود. از آذرماه به بعد هم در کنکورهای آزمایشی شرکت کردم.

○ برای مطالعه و تنظیم تعداد ساعات مطالعه برای دروس متفاوت برنامه ای هم داشتید؟

● قبل از عید برنامه خاصی نداشتم. معمولاً روزی ۴ ساعت بعد از مدرسه مطالعه داشتم. معمولاً لا بلای دروس پیش دانشگاهی عربی و گاهی هم ادبیات را می خواندم.

○ دروس ۳ سال قبل را چطور؟

● مشکل خاصی روی دروس سالهای قبل نداشتم. در مورد زیست شناسی که اصلاً مشکل نداشتم چون برای المپیاد فقط زیست خوانده بودم.

درس شیمی را هم که دبیرمان همراه با شیمی پیش دانشگاهی مرور می کرد. درس ریاضی هم که در دوره پیش دانشگاهی معمولاً دوره سه سال قبل است و هیچ مشکلی نداشتم.

○ برنامه یک روزتان قبل از عید به چه صورت بود؟

● معمولاً از صبح تا ساعت ۴ عصر مدرسه بودم. بعد از اینکه به منزل می‌رسیدم حدوداً ۲ ساعت می‌خوابیدم و بعد از ساعت ۶ عصر تا ۱۰ شب هم می‌خواندم. قبل از عید این تقریباً برنامه هر روز من بود.

○ تا قبل از عید همهٔ دروس را دوره کرده بودید؟

● تقریباً دروس اختصاصی را دوره کردم ولی دروس عمومی را اردیبهشت ماه بود که تمام کردم.

○ گویی بعد از عید برنامه منسجم‌تر و دقیق‌تری داشتید. برنامه شما بعد از فروردین ماه تا زمان کنکور چگونه بود؟

● بعد از عید تصمیم گرفتم عمومی‌ها را زودتر تمام کنم و روی دروس شیمی و زیست‌شناسی متمرکز شوم. در عین حال دروس قبلی را هم که خوانده بودم تست‌هایش را می‌زدم که فراموش نکنم.

○ بعد از عید که مدرسه نمی‌رفتید تعداد ساعات مطالعه‌تان باز همان چهار ساعت بود یا بیشتر شده بود؟

● بعد از عید موضوع را جدی‌تر گرفتم. هم کمتر خوابیدم و هم بیشتر درس خواندم. قبل از عید معمولاً بیشتر می‌خوابیدم. اما بعد از عید تصمیم گرفتم کمتر بخوابم. آن زمان حدوداً روزانه ۱۲ ساعت درس می‌خواندم.

○ هیچ وقت هم اتفاق افتاد که نگران شوید و به یادالمپیاد، ترسی هم از عدم موفقیت در کنکور در دل راه دهید؟

● نه. زیاد استرس نداشتم. جریان المپیاد فرق داشت. اما برای کنکور ممکن نبود موفق نشوم. مگر اینکه سر جلسه کنکور اتفاق خاصی می‌افتاد که قبول نمی‌شدم.

○ شما به جبران موقعیت از دست رفته در المپیاد دانش‌آموزی بود که تصمیم گرفتید یک رتبه تک رقمی کسب کنید؟

● من اصلاً به چنین رتبه‌ای فکر نکرده بودم و زمانی که فهمیدم رتبه پنجم شدم اولش باورم نمی‌شد. بعد از المپیاد این قید را که بهترین و یا بالاترین باشم کنار گذاشته بودم.

○ یعنی شما بعد از جلسه کنکور هم متوجه نشدید که امتحان را خوب پشت سر گذاشته‌اید و ممکن است رتبه‌ای تک رقمی حاصلتان باشد؟

● بعد از آزمون زیاد به این موضوع فکر نکردم. فقط دو تا سؤال دینی را که شك داشتم نگاه کردم و دیدم اشتباه زدم. دیگر تمایل پیدا نکردم که بقیه دروس را هم چک کنم. این بود که منتظر شدم تا نتایج اعلام شود.

○ برای شما مهم نبود که چه رتبه‌ای باشید؟

● چرا، مهم بود. تقریباً می‌دانستم که رشته مورد علاقه‌ام را پذیرفته خواهم شد، حال اینکه رتبه‌ام زیر ۱۰ باشد یا بالای ۱۰ چندان مهم نبود.

○ رشته مورد علاقه شما چه بود؟

● من ابتدا به رشته بیوتکنولوژی فکر می‌کردم، اما در نهایت تصمیم گرفتم که رشته پزشکی را انتخاب کنم.

○ چرا پزشکی؟ خانواده با انتخاب رشته دیگری مخالفت کردند؟

● خیر. خانواده‌ام تصمیم‌گیری را به عهده خودم گذاشته بودند. من می‌خواستم بیوتکنولوژی را انتخاب کنم اما بعد به دلایلی تصمیم عوض شد.

من به رشته پزشکی علاقه داشتم و علاوه بر آن به دلیل وسعت این رشته برای انتخابهای بعدی زمینه‌های وسیعتری پیش رو داشتم.

○ به فرض، اگر رتبه شما در حدی بود که پزشکی و یا بیوتکنولوژی را پذیرفته نمی‌شدید، آیا به انتخاب سایر رشته‌ها هم رضایت می‌دادید، یا اینکه دوباره یکسال دیگری برای کسب رتبه‌ای بهتر تلاش می‌کردید؟

● نه، ترجیح می‌دادم همین امسال در دانشگاه پذیرفته شوم. به همین خاطر هم در برگه انتخاب رشته، دندانپزشکی را هم انتخاب کرده بودم.

○ در ابتدای مصاحبه شما به این موضوع اشاره کردید که در دبیرستان به زیست‌شناسی علاقه داشتید و به همین خاطر هم بود که در المپیاد آن شرکت کردید. هیچ وقت دوست نداشتید این رشته را برای ادامه تحصیل در دانشگاه برگزینید؟

● نه. تصمیم نداشتم زیست‌شناسی انتخاب کنم. بله، من زیست‌شناسی را دوست داشتم اما نمی‌خواستم در علوم پایه ادامه تحصیل بدهم.

○ چرا؟ علت خاصی برای عدم انتخاب علوم پایه داشتید؟

● بله. بینید هر رشته را کسانی می‌سازند و پر بار می‌کنند که در آن رشته‌ها وارد می‌شوند.

خب متأسفانه در حال حاضر روند انتخاب رشته به صورتی است که معمولاً رشته‌های علوم پایه و خصوصاً زیست‌شناسی در اولویت‌های نهایی داوطلبان قرار می‌گیرد و در این صورت شاهد هستیم که به همین خاطر رشته‌های علوم پایه در وضعیت چندان مناسبی قرار ندارند.

○ در این صورت و با توجه به توضیحات خودتان فکر نمی‌کنید کسانی که رتبه‌های خوب و همچنین

حرفی برای گفتن دارند باید این رشته‌ها را انتخاب کنند تا تحولی در اینگونه رشته‌ها ایجاد شود؟

● بله، حرف شما درست است. در حال حاضر در رشته‌هایی مثل ریاضی یا رشته فیزیک چنین اتفاقی در حال رخ دادن است. رشته ریاضی محض یا فیزیک محض در حال تغییر و بهبود است. اما متأسفانه در رشته زیست‌شناسی هنوز چنین اتفاقی دیده نمی‌شود.

○ گفتید خانواده نظر نهایی و تصمیم‌گیری نهایی را به خودتان سپرده بودند. این موضوع فقط برای

شما صادق بود یا برای سایر اعضای خانواده‌تان هم به همین صورت بود؟

● نه، برای همه همینطور بود. هیچ تبعیضی در خانواده ما بین یکدیگر وجود ندارد.

○ سایر اعضای خانواده‌تان نیز تحصیلات دانشگاهی را تجربه کرده‌اند؟

● بله. پدرم دکترای برق دارد و مادرم لیسانس روانشناسی است. من یک خواهر بزرگتر از خودم دارم که در رشته اقتصاد نظری از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده است و اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد تحلیل سیستمها هستند و یک برادر کوچکتر از خودم دارم که اکنون سال دوم دبیرستان است.

○ خانم رهبر قبل از اینکه چنین رتبه‌ای کسب کنید، زمانی که با اسم یا عکس رتبه‌های برتر کنکور

برخورده می‌کردید چه نظری در مورد آنها داشتید؟

● فکر می‌کردم آدم‌هایی درسخوان هستند. آنها را آدم‌هایی متفاوت با دیگران می‌دانستم و همیشه برایم انسان‌هایی تحسین‌برانگیز بودند. البته خیلی به هوش و استعدادشان فکر نمی‌کردم، چون کنکور بیش از آنکه به استعداد و هوش متکی باشد به پشتکار و تلاش وابسته است. هرچقدر که هوش و استعداد وجود داشته باشد اگر پشتکار و تلاش نباشد نتیجه‌ای مثبت حاصل نخواهد شد.

○ هیچ وقت بوده که فکر کنید شما هم ممکن است روزی جزو رتبه‌های برتر کنکور باشید؟

● نه، اصلاً فکر نمی‌کردم. نه اینکه دوست نداشتم چنین رتبه‌ای کسب کنم، اما هیچ وقت

فرصتی نبود که چنین فکری بکنم، زیرا همانطور که گفتم در طول تمام مدت دبیرستان دنبال

درسی بودم که آنرا دوست داشتم، بعد هم که در المپیاد شرکت کردم و فرصتی نبود که بخواهم به کنکور یا به رتبه تک رقمی فکر کنم.

○ سال کنکور برای شما چگونه سالی بود؟ چتصویری از آن در ذهن شما برجای ماند؟

● سال کنکور معمولاً یک سال را کد است. وقتی که بعداً به آن نگاه می‌کنیم می‌بینیم که در این یکساله هیچ کار خاصی بجز خواندن ۲۴ تا کتاب تکراری انجام نداده‌ایم. آدم از اجتماع و اطرافش مجرد می‌شود. وقتی توی تقویم نگاه می‌کنم می‌بینم یکساله کنکور خیلی کم برای خودم بودم، خیلی کم برای خودم نوشتم. البته در ورای این رکود سالی پر از تلاش و تکاپو برای خود فرد، همت برای بهتر شدن، رفع نقصها و انتخاب بهترین راههاست. سال کنکور به هر حال می‌گذرد، فقط خدا کند این یکسال خوب و با نتیجه مثبت تمام شود.

○ در مدت یکسال قبل که برای کنکور فعالیت می‌کردید. بجز درس خواندن به فعالیت‌هایی دیگری

نیز پرداختید یا اینکه صرفاً درس می‌خواندید؟

● مسلماً تفریحات و کارهای جنبی من کمتر شده بود. اما در همان مدت هم چندباری به تئاتر رفتم، معمولاً کوهنوردی هم می‌رفتم، عید هم چند بار عیددیدنی رفتم.

○ شما موفقیت را چطور تعریف می‌کنید؟

● به نظر من وقتی که کسی برای خود هدفی تعیین می‌کند و به سمت آن هدف حرکت می‌کند و همینکه احساس کند به آن هدف نزدیک می‌شود خودش موفقیت است. به نظر من از مهمترین عوامل موفقیت توکل داشتن به خداست.

○ خانم رهبر علاوه بر درس خواندن و توکل به خدا، گویی تکیه خاصی هم به کلاسهای کنکور

داشتید. در تبلیغات رنگارنگ مؤسسات کنکوری نام شما هم به چشم می‌خورد؟

● اتفاقاً این موضوعی بود که خودم دوست داشتم به آن اشاره کنم. ببینید من فقط برای دو درس فیزیک و ادبیات از کلاس استفاده کردم، اما متأسفانه بعد از اعلام نتایج و زمانی که مشخص شد که رتبه تک رقمی شده‌ام برخی از مؤسسات به دروغ عکس و اسم مرا در تبلیغاتشان گنجانده‌اند. حتی من با آنها تماس گرفتم و شکایت هم کردم، اما جواب آنها به من این بود که خیلی هم دلتان بخواهد که عکس و اسم شما را چاپ کردیم. در نهایت حتی با شکایت قانونی هم از آنها نتوانستیم موضوع را پیگیری کنم، من فکر می‌کنم این کار واقعاً یک کار غیراخلاقی است و اکنون که شما این را از من می‌پرسید می‌توانم بگویم که دروغ بوده



است. من فقط برای ۲ درس ادبیات و فیزیک از کلاس استفاده کردم. آنهم فکر کردم اگر از کلاس استفاده کنم بهتر است.

○ چرا؟ در این دو درس با مشکل خاصی مواجه بودید؟

● در مورد درس ادبیات تقریباً نمی‌دانستم چطور باید برای کنکور بخوانم. این بود که ترجیح دادم از کلاس استفاده کنم. در مورد درس فیزیک هم در بعضی از مباحث آن مشکل داشتم.

○ خانم رهبر به عنوان آخرین موضوع گفتگو بهترین و مفیدترین نکاتی را که در یکساله گذشته تجربه کردید، لطفاً برای داوطلبان کنکور امسال بفرمایید.

● چیز نگفته‌ای باقی نمانده است. در تمام مصاحبه، تجربه‌هایی بود که در قالب سؤال شما پرسیدید. فقط باز هم تأکید می‌کنم الان دیگر زمانی است که بچه‌ها از زمانشان باید بهترین استفاده را بکنند. سعی کنند الان رفع اشکال کنند و دیگر سؤال و یا مشکلی را باقی نگذارند و مهمترین نکته هم اینکه به خودشان اعتماد داشته باشند و در این مدت کوتاه باقیمانده اعتماد به نفسشان را قوی کنند.

آخرین جمله‌ای را هم که می‌خواهم بگویم به نقل از اندیشمندی است که می‌گوید: همه چیز در آن لحظه به پایان می‌رسد که قدمهای تو از حرکت باز می‌ایستند.

خانم رهبر از قبول دعوت و حضورتان در هفته نامه پیک سنجش بسیار سپاسگزاریم. موفق، شادکام و همیشه پیروز باشید.

### کنکور تستی، دانش مملکت را ویران می‌کند\*

دکتر «پرویز شهریاری» از اساتید کشور، که امسال دکترای افتخاری دریافت کرده بیش از یکهزار مقاله و ۲۰۰ کتاب در زمینه ریاضی تألیف و ترجمه کرده است. استاد شهریاری در حال حاضر سردبیر ماهنامه‌های «چیستا» و «دانش و مردم» است. کتابهایی در زمینه تاریخ ریاضی بویژه تاریخ ریاضی کشورمان توسط وی در دست تألیف و ترجمه است. با وی گفت و گوی کوتاهی انجام دادیم که می‌خوانید:

○ با توجه به پایین بودن سطح پژوهش و آموزش در دانشگاهها، برای بهبود این مسأله چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟

● اصولاً برای اینکه بتوانیم از لحاظ علمی پیشرفت داشته باشیم، باید بین صنعت و دانشگاهها همکاری وجود داشته باشد که متأسفانه ما در این زمینه موفق نیستیم. البته اقدامات مختصری صورت گرفته اما باز به تلاش بیشتری نیاز است بطوری که دانشجویان به همراه اساتید خود باید بطور مداوم از صنایع دیدار داشته باشند. فقط در این صورت است که کیفیت پژوهش بهبود پیدا می‌کند. در خصوص وضعیت آموزش هم می‌شود به این نکته اشاره کرد که برخی از دانشگاههای ما از لحاظ داشتن اساتید با تجربه در حد بالایی قرار دارند، اما در برخی زمینه‌ها متأسفانه دانشگاهها نتوانستند به حد جهانی شدن ارتقا یابند. شاید در این زمینه یکی از مشکلات، کنکور دانشگاهها باشد. زیرا نحوه کنکور که در حال حاضر به روش تستی برگزار می‌شود دانش مملکت را ویران می‌کند. چون اغلب شرکت کنندگان در رشته مورد علاقه خود قبول نمی‌شوند و از طرف دیگر تمام سالهای آخر دبیرستان هم خانواده‌ها و هم دانش‌آموزان گرفتار کنکور می‌شوند و متأسفانه مسئولین امر هیچ فکری در این مورد نمی‌کنند.

○ نظر شما در مورد تشریحی کردن کنکور سراسری چیست؟

● به گمان من اگر کنکور به روش تشریحی برگزار شود قطعاً بهتر خواهد بود زیرا به روش تستی نه می‌شود بهینه را انتخاب کرد و نه می‌توان در همه زمینه‌ها از جمله تاریخ ریاضی، کاربردها و فلسفه ریاضی و ..... وارد شد و طبیعی است که آنچه به روش تست انجام می‌شود نمی‌تواند شایسته‌ترین دانشجویان را معرفی کند.

○ آیا فکر نمی‌کنید که دانشگاههای مابیشتر حکم یک مکانتفریحی را برای دانشجویان پیدا کرده تا

یک مکان علم‌اندوزی؟

● با علاقه‌مندی به فراگیری دانش می‌توان همه مشکلات را حل کرد اما دانشجویی که به علت وجود کنکور سالها است که عادت به تحقیق و مطالعه نکرده، نمی‌تواند یک مرتبه به دنبال مطالعه باشد و در نتیجه همه تلاش ما برای پیدا کردن یک دانشجوی متعادل و خوب که بطور واقعی به دنبال علم و دانش است، به هدر می‌رود.

○ سطح علمی اساتید دانشگاهها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● تعداد عمده‌ای از آنها به دلیل ارتباط با مراکز علمی دنیا سطح آگاهی و اطلاعاتشان بالاست اما عمده‌ای دیگر بویژه استادانی که به نام «استادان پروازی» دایماً در حال سفر هستند به نظر من فرصتی برای مطالعه ندارند و متأسفانه علت آن هم تأمین نشدن زندگی آنها است.

### کسب رتبه تک رقمی امکان بهترین انتخاب را به من داد\*

آقای محمد فلاحی سیجانی از داوطلبان کنکور سراسری سال ۸۰ در گروه آزمایشی علوم تجربی بود که موفق شد رتبه اول را در بین کلیه شرکت کنندگان در این گروه به خود اختصاص دهد.

آقای فلاحی دوران دبیرستان را در دبیرستان شهیدآذای اصفهان به انتها رساند، ۵ نفر از رتبه‌های تک رقمی کنکور ۸۰ فارغ‌التحصیل از همین دبیرستان بودند. ۳ نفر از گروه آزمایشی علوم تجربی یک نفر از گروه آزمایشی ریاضی و فنی و یک نفر هم در گروه آزمایشی هنر. ایشان اکنون ترم دوم رشته بیوتکنولوژی را در دانشگاه تهران تجربه می‌کند و نه تنها از این نظر جزو چهره‌های شاخص برترینهای کنکور است، که می‌توان گفت از جمله داوطلبانی است که شاید کمتر موفق می‌شوند به چنین رتبه خوبی دست یابند. در ادامه خلاصه گفتگو با ایشان را خواهید خواند.

○ آقای فلاحی شما سال گذشته از دبیرستانی فارغ‌التحصیل شدید که پنج نفر از رتبه‌های برتر کنکور

۸۰ در آن مرکز تحصیل کرده بودند. شما نیز یکی از آن پنج نفر تمبر تر و چهره شاخص گروه آزمایشی

علوم تجربی بودید. گویی پارسال رقابت سخت و فشرده‌ای با سایر هم‌کلاسی‌هایتان داشتید؟

● نه اصلاً رقابتی نبود، هر کس درس خودش را می‌خواند و برنامه خودش را داشت. من

باکسی رقابت نداشتم. خودم درس می‌خواندم و طبق برنامه خودم عمل می‌کردم.

○ دبیرستان شما از جمله دبیرستانهای خوب شهر اصفهان و از زیر مجموعه‌های سازمان پرورش

استعدادهای درخشان (سمپاد) بود، به همین دلیل برنامه‌های آموزشی و آمادگی متفاوتی را برای کنکور

در نظر گرفته بود. شما از برنامه‌ها و آزمونهای آزمایشی دبیرستان استفاده نکردید؟

\* گفتگو با آقای محمد فلاحی سیجانی رتبه اول گروه آزمایشی علوم تجربی آزمون سراسری سال ۱۳۸۰ از مرکز شهیدآذای

● نه، استفاده نکردم. مدرسه ما برای دانش آموزان پیش دانشگاهی برنامه داشت، همچنین آزمونهای آزمایشی برگزار می‌کرد، اما من از آن برنامه‌ها و آزمونها استفاده نمی‌کردم فقط به خودم متکی بودم.

○ یعنی از کلاسها و مؤسسات غیرانتفاعی و آزمونهای آنها بهره‌ی بردید؟

● نه، نیازی نداشتم. کلاسهای مدرسه برایم کافی بود. هیچ وقت فکر نکردم که مشکلی دارم که بخواهم از کلاس یا معلم و یا حتی از کنکورهای آزمایشی مؤسسات مختلف استفاده کنم. من به خودم اطمینان داشتم و هیچ اعتقادی به کنکورهای آزمایشی که برگزار می‌شود نداشتم.

○ چرا؟

● چون این مؤسسات معمولاً هر ماه ۲ یا ۳ بار کنکور آزمایشی برگزار می‌کنند و به همین خاطر سؤالات از روال منطقی خارج می‌شود و چه بسا برای کنکور سراسری مشکل ساز هم بشود.

○ اما شما در ۲ تا از کنکورهای جامع سازمان سنجش شرکت کردید.

● بله. فقط ۲ تا کنکور جامع سازمان سنجش شرکت کردم، آن هم فقط به چند دلیل. یکی اینکه می‌خواستم خیال خانواده‌ام راحت باشد و به آنها اطمینان خاطر بدهم، دیگر اینکه آزمونهای سازمان سنجش معتبر بود و علاوه بر این کنکورش جامع بود. یعنی از همهٔ قسمتهای کتابها بود و تفاوتی با کنکور سراسری نداشت. دلیل دیگرم این بود که می‌خواستم اعتماد به نفس خودم را هم افزایش دهم، از همه مهمتر اینکه نزدیک به کنکور سراسری بود، به این دلایل من در ۲ تا کنکور جامع سازمان سنجش شرکت کردم.

○ یکی از دلایل را، این عنوان کردید که می‌خواستید به خانواده‌تان آرامش خاطر بدهید. آیا

خانواده‌تان به عملکرد شما و روند پیشرفت تحصیلی شما شک داشتند؟

● نه، اصلاً اینطور نیست. من همیشه دانش آموز پر تلاشی بودم و آنها به خوبی می‌دانستند. فقط خواستم خانواده‌ام را خوشحال کنم.

○ از کسب یک رتبه تک‌رقمی هم همین رامی‌خواستید؟ یعنی اینکه فقط می‌خواستید خانواده‌تان را

را از کسب رتبه ۱ خوشحال کنید؟

● خب، خوشحال نگهداشتن خانواده که همیشه مد نظر من بوده است؛ اما از کسب یک

رتبه یک رقی، چیزهایی دیگر هم می‌خواستم.

○ مثلاً چه چیزهایی در قبال کسب رتبه تک رقیمی نصیب شما می‌شد؟

● یک انتخاب رشته خوب. انتخاب رشته‌ای که مورد علاقه من بود و همیشه به آن فکر می‌کردم.

○ شما دکترای پیوسته‌یو تکنولوژی را انتخاب کردید، آیا این رشته مورد علاقه شما بود؟

● بله. از دوم دبیرستان تصمیم گرفتم که این رشته را در نهایت انتخاب کنم.

○ از دوم دبیرستان؟ آن زمان شما چه شناختی از این رشته داشتید. دقیقاً وقتی شما دوم دبیرستان بودید این رشته تازه تأسیس شده بود و برای اولین سال بود که دانشجویی پذیرفت آن وقت شما همان سال در کلاس دوم دبیرستان به آن علاقه‌مند شدید؟

● نمی‌شود گفت که علاقه‌مند شدم. بله شما درست می‌گویید آن موقع که من دوم دبیرستان بودم اولین سالی بود که این رشته دانشجوی گرفت و تازه همان سال تأسیس شد. من آن زمان با بیوتکنولوژی آشنا شدم و تصمیم گرفتم که آنرا بیشتر بشناسم. از همان سال من تحقیقاتم را در مورد این رشته آغاز کردم، این تحقیقات سال سوم و پیش‌دانشگاهی هم ادامه داشت تا اینکه در انتهای دوره پیش‌دانشگاهی تحقیقاتم کامل شد و شناختم تا حد ممکن افزایش یافت و تصمیم گرفتم که حتماً در این رشته تحصیل کنم.

○ دکترای پیوسته رشته‌یو تکنولوژی از رشته‌های بسیار نو و جدیدی است که هر ساله تعدادی بسیار اندک از بین‌ترین داوطلبان کنکور و همچنین المپیادبهای موفقدانش آموزی، دانشجویی پذیرد. امسال برای سومین سال پیاپی دانشگاه تهران در این رشته دانشجوی پذیرفت. گمان می‌کنم تعداد دانشجویان پذیرفته شده امسال زیر ۱۰ نفر باشد. همینطور است؟

● بله، امسال کلاً ۸ نفر دانشجوی گرفت.

○ هیچ وقت فکر نکردی با انتخاب این رشته ممکن است یک ریسک را پذیرفته باشی؟ زیرا تعداد سالهایی که باید مشغول به تحصیل باشی تقریباً ۸ سال است و آینده این رشته هم چندان روشن و مشخص نیست. حتی شما واحدهای درسی سالهای آتی را هم کاملاً نمی‌دانید.

● بله، همانطور که گفتید آینده این رشته چندان معلوم نیست. من و یاکسان دیگری که این رشته را انتخاب می‌کنند شاید یک ریسک بزرگ را پذیرفته باشند، چون به راحتی می‌توانستند رشته‌هایی که آینده مشخصی دارند، همچون پزشکی را انتخاب کنند. اما بنابر

علاقه‌ای که داشته‌اند به سمت این رشته آمده‌اند. اما در کل من آینده خوبی برای این رشته می‌بینم و نظرم کاملاً مثبت است و خوشبینانه به آینده نگاه می‌کنم.

○ دلیل خاصی هم برای این خوشبینی دارید؟

● بله، مسلماً ببینید تمام کسانی که جذب این رشته می‌شوند از جمله کسانی هستند که پیشینه خوب تحصیلی را پشت سر گذاشته‌اند یا از جمله دانش‌آموزان بسیار موفق المپیاد بوده‌اند و یا از جمله بهترین و برترین رتبه‌های کنکور، پس مسلماً نیرویی بالفعل دارند که می‌توانند فعال باشند، فعالیت کنند و با توجه به شناخت و علاقه‌ای که دارند می‌توانند سازنده باشند. فقط من به یک موضوع و مسأله شک دارم و می‌ترسم که مبادا همه چیز با هم منطبق نباشد.

○ صحبت آخر شما واضح نبود. شما به چه چیز شک دارید و از چه چیزی می‌ترسید. منظور شما از

انطباق چیست؟

● ببینید ۳ سال پیش که این رشته تأسیس شد هنوز کسی در مورد آن چیزی نمی‌دانست. در کل هنوز هم به دلیل جدید بودن این رشته جایگاهش چندان روشن نیست. اما تأسیس کنندگان رشته بیوتکنولوژی اهدافی داشته‌اند و تفکراتی برای تأسیس این رشته وجود داشته است. همه کسانی که به عنوان دانشجو این رشته را انتخاب می‌کنند با تفکرات و نظرات آنرا انتخاب می‌کنند و اهدافی را مدنظر دارند. حال سؤال این است که آیا اهداف تأسیس کنندگان با اهداف دانشجویان این رشته برهم منطبق است؟ اگر اینطور نباشد واقعاً چطور می‌توان آینده خوبی برای این رشته در نظر گرفت. البته به نظر من همانطور که گفتم دانشجویان این رشته خودشان باید این رشته را بسازند و اصلاً نباید متکی بر دانشگاه و استاد باشند، چون استادان ما هیچ کدام تحصیل کرده این رشته هم نیستند. به نظر من خود دانشجویان این رشته باید به اتفاق هم با تحقیقات و مطالعات فراوان این رشته را شکل بدهند. در این صورت آینده بسیار خوبی برای این رشته نمایان خواهد بود.

○ یکی از وجوه تمایز شما نسبت به سایر داوطلبان برتر کنکور این بود که فقط شما بودید که تصمیم گرفتید رشتیم بیوتکنولوژی را انتخاب کنید و تصمیم گرفتید خودتان باشید که سازندگی را ایجاد می‌کنید. از عمده‌ترین وجوه تمایز دیگر شما این است که شما در یک خانواده شلوغ و پرجمعیت تحصیل کردید و موفق بودید. البته شلوغ بودن تنها نه، بلکه در یک خانواده ۱۰ نفری که همه موفق و جزو بهترین‌ها بودید.

### در مورد خانواده تان لطفاً کمی توضیح دهید؟

● بله. خانواده ما یک خانواده ۱۰ نفری است. پدرم، مادرم و ۸ فرزند. من فرزند هفتم هستم. یک برادر کوچکتر از خودم هم دارم که او نیز در دبیرستان شهید اژه‌ای اصفهان سال سوم دبیرستان را تجربه می‌کند. بقیه خواهر و برادرهایم از من بزرگتر هستند و آنها نیز یا دانشجو هستند و یا تحصیلاتشان را تمام کرده‌اند.

○ گمان می‌کنم سایر اعضای خانواده تان نیز جزو رتبه‌های خوب کنکور بوده‌اند. همین‌طور است؟  
لطفاً در مورد تحصیلات والدین و سایر اعضای خانواده تان بگویید.

● بله، برادر و خواهرهای دیگرم نیز رتبه‌های کنکورشان خوب بوده است.  
پدرم استاد بازنشسته دانشگاه اصفهان است و مادرم نیز دبیر بازنشسته آموزش و پرورش اصفهان.

بزرگترین فرزند خانواده برادرم است که اکنون رزیدنت پزشکی هسته‌ای دانشگاه تهران است. فرزند بعدی خواهرم است که ایشان هم دندانپزشک هستند، برادر دیگرم نیز پزشک است، فرزند بعدی برادرم است که او نیز دندانپزشک است. فرزند پنجم خانواده ما خواهرم است که اکنون دانشجوی دندانپزشکی است. برادر دیگرم دانشجوی مهندسی برق است. خودم نیز فرزند هفتم خانواده هستم و همان‌طور که گفتم فرزند آخر هم برادرم است که در سال سوم دبیرستان مشغول به تحصیل است.

همه برادر و خواهرهایم نیز رتبه‌های خوبی داشته‌اند و در دانشگاه‌های خوبی دولتی تهران یا اصفهان تحصیل کرده‌اند.

○ ۸ فرزند در یک خانواده کاملاً فرهنگی و هر ۸ نفر از جمله دانشجویان دانشگاه‌های خوب دولتی، نه می‌توان ایراد گرفت به والدین چنین خانواده‌ای و نه می‌توان ایراد نگرفت. شما خودتان هیچ وقت با مشکل خاصی برخورد داشته‌اید که به تعداد زیاد افراد خانواده مربوط باشد؟

● نه اصلاً؛ چون معمولاً خواهر و برادرهایم همه مشغول کار و تحصیل هستند. مثلاً یکی از برادرهایم که دانشجوی دندانپزشکی دانشگاه شهید بهشتی است، من اصلاً نمی‌دیدمش. الان که آمدم تهران بیشتر همدیگر را می‌بینیم. بقیه هم تقریباً به همین صورت بودند. من هیچ وقت مشکلی نداشتم. همیشه آنها راهنمای من بوده‌اند و این جریان برای من همیشه مثبت بوده است.

○ یعنی شما در این خانواده شلوغ و پرجمعیت با هیچ مشکل خاصی مواجه نبودید؟

● من هیچ مشکلی نداشتم. این موضوع که اداره یک خانواده شلوغ ۱۰ نفری آن هم خوب اداره کردن و به ثمر رساندن چه مشکلاتی دارد یا داشته است، باید از والدینم پرسید.

○ آقای فلاحی، در مورد انتخاب رشته گفتید از سال دوم دبیرستان تحقیقات خود را شروع کردید. از

کی مطالعه جدی و برنامه ریزی شده خود را آغاز کردید؟

● برای کنکور و به شیوه کنکوری درس خواندن را از تابستان شروع کردم. یعنی دقیقاً

بعد از سال سوم دبیرستان و قبل از آغاز دوره پیش دانشگاهی.

○ شیوه کنکوری درس خواندن با مطالعه معمولی دروس دبیرستان چه تفاوتی دارد؟

● ببینید همانطور که کنکور یک امتحانی شبیه به امتحان دبیرستان نیست، برای کنکور

درس خواندن هم باید متفاوت با مطالعات معمول دبیرستان باشد.

کنکور آزمونی است تستی. با تعداد زیادی تست و سؤال که در مدت زمان محدودی باید

پاسخ داده شود. پاسخها هم همگی جلوی روی ما قرار دارد. حال باید به قدری مسلط باشیم

که بدون شک یکی از آن چهار گزینه که معمولاً همه شبیه هم هست را انتخاب کنیم. پس با این

وجود برای کنکور باید متفاوت خواند. مثل خود کنکور که آزمونی متفاوت است.

○ شما به چه صورت خواندید. برنامه خاصی داشتید؟

● برنامه مطالعه و یادگیری من برای دروس عمومی و تعدادی از دروس اختصاصی،

خواندن بود و تکرار و تکرار و تکرار. تا جایی که واقعاً آدم احساس کند مسلط شده است.

برای دروس ریاضی فیزیک هم زیاد حل کردن مسأله و تست تمرین کردن است. این برنامه

کلی من بود.

○ برنامه زمانی شما به چه صورت بود؟

● همانطور که گفتم از تابستان شروع کردم و این روند مطالعه من دقیقاً تا یک شب قبل از

امتحان در تیرماه ادامه داشت. یعنی ۱ سال کامل مطالعه کردم. همه دروس را هم با هم

می خواندم. ساعات خواندنم هم از یک ساعت تا ۱۲ ساعت در روز متفاوت بود. ولی هر چه

به پیش می رفتم بیشتر می شد و بیشتر می خواندم.

○ رتبه اول شدن و یا یک رتبه تک رقمی داشتن رلهی توانستید حدس بزنید؟

● بله من از ابتدا قصد داشتم رتبه ام یک رقمی شود و به رتبه اول فکر می کردم.



○ شما بار اولی بود که در کنکور شرکتی کردید. گفتید در کنکورهای آزمایشی هم که شرکت نمی کردید با این وجود چطور چنین اعتماد به نفسی داشتید که رتبه اول را حدس می زدید؟

● خب، اولاً من سال سوم دبیرستان در کنکور جامع سازمان سنجش شرکت کرده بودم و با وجود اینکه در رشته ریاضی درس می خواندم، در کنکور تجربی شرکت کردم. نخوانده بودم اما موفق شدم رتبه ۱۶۰ را کسب کنم. پارسال هم که در دو تا کنکور جامع سازمان سنجش شرکت کردم در آزمون اولی رتبه اول شدم و در آزمون دومی رتبه ۶ شدم. علاوه بر اینها به خودم اعتماد داشتم و شناخت خوبی از خودم داشتم، می دانستم که می توانم و از عهده این کار برمی آیم و می توانم رتبه یک رقمی را کسب کنم.

○ شما با وجود اینکه از دوم دبیرستان به انتخاب یک رشته از زیرمجموعه علوم تجربی فکر می کردید، اما در دبیرستان رشته ریاضی و فیزیک را انتخاب کردید و برای دوره پیش دانشگاهی به تجربی تغییر رشته دادید. اگر تصمیم داشتید تکنولوژی یا یکی از رشته های زیرمجموعه گروه تجربی را برگزینید چرا ریاضی را برای دبیرستان انتخاب کردید و اگر می خواستید ریاضی فیزیک بخوانید چرا برای دوره پیش دانشگاهی به تجربی تغییر رشته دادید؟

● خب، من دوست داشتم تا سال سوم دبیرستان ریاضی بخوانم چون اعتقاد دارم دید ریاضی و منطق ریاضی از مهمترین عوامل موفقیت در هر رشته ای است. من می دانستم که برای انتخاب یک رشته در زیرمجموعه گروه علوم تجربی دید و منطق ریاضی بسیار مفید خواهد بود. تصمیم گرفتم تا سال سوم ریاضی بخوانم و برای دوره پیش دانشگاهی تجربی بخوانم تا برای کنکور آماده باشم.

○ بعد از اتمام جلسه چه درصدهایی را برای خودتان محاسبه کردید. فکرمی کردید چه رتبه ای بشوید؟

● بعد از کنکور درصدهایم را محاسبه کردم و همانهایی بود که در کارنامه داشتم. نمی دانستم چه رتبه ای می شوم اما امیدوار بودم که رتبه ۱۰۰ باشد. البته درصدهایم را با رتبه اول کنکور پارسال که انطباق دادم درصدهای من بهتر است. به همین خاطر امیدوار بودم رتبه ۱۰۰ بشود.

○ آن درصدها چه بود؟

● ریاضی ۱۰۰٪، فیزیک ۱۰۰٪، شیمی ۱۰۰٪، زیست شناسی ۱۰۰٪، ادبیات

۹۴/۷، عربی ۱۰۰٪، معارف اسلامی ۱۰۰٪، زبان انگلیسی ۸۹/۴٪.

○ آقای فلاحی موفقیت از نظر شما چطور تعریف می‌شود؟

● آدم زمانی که از عملی که انجام داده است رضایت پیدا کند و احساس رضایت قلبی داشته باشد و از نتیجه حاصله راضی باشد، می‌توان گفت که موفقیت برای آن فرد حاصل شده است.

**علاقه، تلاش و پشت‌کار\***  
**یک گفت‌وگوی دیر هنگام با امید، سیاوش و بهادر**

فرزندان علامه حلی ارمغان آوران غرورند برای علامه حلی، بی آن که ذره‌ای از این غرور در وجودشان رخنه کرده باشد. به ارزش‌های اصیل خود پای بندند و به ایران خود عشق و علاقه می‌ورزند و علامه حلی را جزیی از خود و خود را جزیی از علامه حلی می‌دانند. تلاش، سرمشق زندگی‌شان است و هرکدام در عرصه‌ای افتخار آفرین و در میدانی سرافراز و پیروز.

فرزندان علامه حلی ایمان دارند که پیش رفت و سعادت خود را باید با دستان خود رقم بزنند و در این راه نیازمند پشت‌کاری برای درهم شکستن مشکلات هستند. شاید وقتی این نوشته را می‌خوانید، بچه‌ها با دست پُر برگشته باشند! امید، سیاوش و بهادر، فرزندان علامه حلی‌اند، فرزندان سمپاد، فرزندان ایران، مانند تمام دیگر دوستان‌شان.

علاقه را در برق چشمان‌شان می‌توان دید، تلاش را در صلابت قامت‌شان و پشت‌کار را در فعالیتهای نه چندان طولانی ولی درخشان‌شان. کوله‌بار سفر بسته‌اند تا یک بار دیگر در عرصه‌ای جهانی و در میدانی بزرگ با رقیبانی قدر، دست و پنجه نرم کنند.

آرزوی جز پیروزی و سرافرازی در این میدان و در تمام عرصه‌های زندگی برای این عزیزان نداریم. بچه‌ها! خدا پشت و پناه‌تان.

○ بگذارید قبل از هر سؤال برگردیم به یک سال قبل، وقتی که در ایران بودید ولی نام ایران را در

سیاتل آمریکا پُرآواز نکردید. چه احساسی داشتید؟

● امید آلا دینی: واقعاً خیلی خوش حال کننده بود که در یک مسابقه‌ی جهانی پیروز شدیم. اگر بخواهم از این جنبه بگویم همه‌اش لذت بخش بود، وقتی نام Helli Respina به عنوان تیم‌مان عنوان شد، وقتی Allmeh Helli High School به عنوان مدرسه‌مان ذکر شد و وقتی IRAN به عنوان کشورمان مطرح شد، هر کدامش یک شادی مخصوص به خود را داشت.

○ باز هم برگردیم عقب‌تر، به شروع این فکر. چه طور شد وارد این عرصه شدید؟

● بهادر نورایی بیدخت: ما از زمان راهنمایی تنها و با هم روی خیلی پروژه‌ها کار کرده بودیم ولی اولین پروژه‌ی بزرگ مشترک‌مان روباتی بود که سال اول دبیرستان برای شرکت در مسابقات موش‌های هوش‌مند دانشگاه تبریز ساخته بودیم. همان موقع بود که اخبار مسابقات روبوکاپ جهانی را شنیدیم.

نمی‌توانم بگویم چه احساس مشترکی بود که در هر سه‌تای ما ایجاد شد و همان‌جایی آن که چیزی از این مسابقات بدانیم، تصمیم گرفتیم وارد این مسابقات بشویم.

○ به همین سادگی؟!

● سیاوش رهبرنوده‌ی: شاید هم ساده‌تر از این! شاید بچه‌گانه به نظر برسد ولی ما همان‌جا تصمیم گرفتیم و به هم قول دادیم سال دیگر همان موقع در سیاتل آمریکا باشیم.

○ حالا چه فکری می‌کنید؟ کارها به همان سادگی تصمیم‌تان جلو رفت؟ امروز، در مورد تصمیمی که آن روز گرفتید، چه قضاوتی می‌کنید؟

● بهادر: ما روزی که این تصمیم را گرفتیم و به هم قول دادیم، واقعاً مصمم بودیم. در عالم خودمان یک تصمیم جدی گرفته بودیم. این تصمیم را یک خیال بچه‌گانه نمی‌دیدیم. ولی وقتی وارد کار شدیم و دیدمان نسبت به مسأله واقعی‌تر شد، دوره‌ای پیش آمد که احساس می‌کردیم ممکن است به نتیجه نرسیم. ولی باز هم امیدوار بودیم.

● سیاوش: اصلاً نمی‌توان وضعیت آن روزها را امروز مجسم کرد ولی ما تصمیم خودمان را گرفته بودیم و باور داشتیم که اگر دل به کار بدهیم، می‌توانیم این کارمان را به مسابقات برسانیم.

○ و رساندید.

● امید: هیچ‌کس باور نمی‌کرد ولی کار را رساندیم. گرچه با مشکلاتی که پیش آمد

نتوانستیم خودمان هم در سیاتل باشیم!

○ فکر می‌کنید عامل اصلی این موفقیت چه بوده؟

● بهادر: فکر نمی‌کنم هیچ کاری غیرممکن باشد آن هم برای دانش آموز علامه حلی. ما سه نفر این کار را انجام دادیم و مطمئنم که حتماً خیلی‌ها پیدا می‌شوند که بتوانند این کار را از ما هم بهتر انجام دهند ولی به نظر من چند عامل مهم در این جا مطرح است: اول، علاقه؛ یعنی دوست داشته باشی وارد این راه بشوی. دوم، تلاش؛ یعنی این که برای موفقیت منتظر معجزه نمی‌شود نشست و مورد سوم و از همه مهم‌تر، پشت کار.

○ برگردیم به حلی رسپینا. کمی در مورد روبروکاپ جهانی، مسابقات شبیه سازی و تیم خودتان حرف

بزنید.

● امید: به این مسابقات می‌گویند جام جهانی روبات‌ها. این مسابقات یک همایش بزرگ است که در آن تیم‌ها نتیجه‌ی یک سال تلاش خود را عرضه می‌کنند. اولین دوره‌ی آن در سال ۱۹۹۷ با ۴۰ تیم از ۱۰ کشور جهان برگزار شده و امسال ششمین دوره‌ی آن هم زمان با جام جهانی در ژاپن و کره برگزار می‌شود. این مسابقات در پنج رشته‌ی Simulation (شبیه سازی)، Four Legged Robot, Medium Size, Small Size (سگ‌های چهارپای سونی) و Humanoid (مدل انسان) برگزار می‌شود و در ضمن یک مسابقه‌ی مقطع دبیرستان (Junior) هم هست که امسال در کشور کره برگزار می‌شود.

● سیاوش: تیم ما یعنی حلی رسپینا در سال گذشته و امسال در بخش شبیه سازی شرکت کرده است. در این قسمت برخلاف قسمت‌های دیگر که به ساخت یک روبات می‌پردازند، تکیه بر یک کار تحقیقی و برنامه‌نویسی است. یک برنامه‌ی Server ارائه می‌شود و تیم‌های شرکت کننده باید براساس قوانین موجود در برنامه یک بازی فوتبال انجام دهند.

○ برنامه‌ی Server امسال چه فرقی‌هایی با برنامه‌های سال‌های پیش کرده؟

● بهادر: به طور طبیعی هر سال قوانین برنامه‌ی Server، تغییر می‌کنند. مثلاً امسال بعضی قوانین محدودتر شده و بعضی حرکت‌ها اضافه شده است. مثلاً در برنامه‌ی امسال، تکلیف اضافه شده است یا مثلاً پیش نهاد سیاوش پذیرفته شده است.

○ چه پیش نهادی؟

● امید: سیاوش پیش نهاد داده بود بازیکن‌ها علاوه بر حرکت‌های معمول مثل راه رفتن،

چرخیدن، شوت زدن، حرف زدن و ... بتوانند به هم دیگر اشاره کنند که از طرف کمیته‌ی برگزاری پذیرفته شد و در برنامه‌ی Server گنجانده شد.

○ گویا هنوز هم شما تنها تیم دانش‌آموزی پذیرفته شده در این مسابقات هستید. درست است؟

● سیاوش: نه تنها فقط تیم دانش‌آموزی پذیرفته شده که حتی تنها تیم دانش‌آموزی ثبت‌نام‌کننده در تمام دوره‌ها و در تمام رشته‌ها. امسال کلاً ۴۶ تیم از دنیا در این مسابقات شرکت کرده‌اند که از نظر تعداد، ایران رتبه‌ی دوم را دارد. ژاپن با ۱۰ تیم، ایران با ۹ تیم، آلمان با ۸ تیم و ... و مثلاً انگلیس، استرالیا و هند فقط با یک تیم در مسابقات شرکت می‌کنند.

○ در دوره‌ی راهنمایی چه کارهایی انجام می‌دادید؟

● بهادر: من تا اول دبیرستان پاسکال بلد نبودم! پاسکال را وقتی یاد گرفتم که فهمیدم اگر کسی امتحان تعیین سطح گروه کامپیوتر را با بیسیک جواب بدهد در گروه ابتدایی می‌افتد. این را که فهمیدم، پنج‌شنبه و جمعه را پاسکال خواندم و نمره گرفتم! تا آن موقع هم تمام برنامه‌هایم را با بیسیک می‌نوشتم.

● سیاوش: من به برنامه‌های شبیه‌سازی آزمایشات فیزیک علاقه داشتم. این باعث شده بود در این زمینه زیاد کار کنم.

● امید: معلم کامپیوتر ما در راهنمایی آقای سرکاراتی بودند. آن موقع یک پروژه برای من تعریف کرده بودند که شبیه‌سازی و حل مدارهای منطقی بود.

○ می‌توانید آقای سرکاراتی را در یک جمله بیان کنید؟!

● امید ● سیاوش ● بهادر: «سلام بچه»!!!

○ به جز آقای سرکاراتی؟

● بهادر: خیلی‌ها در این موفقیت مؤثر بوده‌اند. شاید نتوان از تک تک آن‌ها اسم برد. یکی از این افراد آقای رزازی بودند که خیلی از ایشان استفاده کردیم. یکی از افراد دیگری که باعث شد دیدمان نسبت به هوش مصنوعی و این موضوعات بازتر شود، آقای افراز بودند. کلاس‌های ایشان واقعاً برای ما مفید بود.

● امید: گرچه اسم کلاس آقای افراز، شبکه‌ی عصبی بود ولی ایشان علاوه بر شبکه‌ی عصبی که به ما یاد دادند، دیدی به ما دادند که این شاید مهم‌تر از فرمول‌های شبکه‌ی عصبی بود.

○ نقش امکانات در موفقیت شما چه بوده است؟

● بهادر: بهتر است بگویید عدم امکانات! در تمام طول این مدت ما در خانه کار می‌کردیم. تمام بضاعت مدرسه برای این کار یک کامپیوتر P 133 بود که در اواخر با تلاش مسؤلان به P 233 ارتقا پیدا کرد. کامپیوتر خود من هم P 133 بود. به‌ترین کامپیوتر ما، کامپیوتر امید بود که P 166 بود.

● امید: سیاوش که کامپیوترش اصلاً 486 بود و با این همه روی آن Linux نصب کرد و کار کرد.

● سیاوش: من حتی CD Drive نداشتم. یک شب CD Drive مدرسه را امانت گرفتم و Linux نصب کردم و فردا برگرداندم. همیشه یک ربع طول می‌کشید تا کامپیوتر بالا بیاید!

● امید: یادم می‌آید شبی که قرار بود اطلاعات را بفرستیم، بهادر یک روز مدرسه نیامد و همه چیز را جمع کرد و ریخت داخل یک هارد و بردیم با اینترنت دانشگاه شریف فرستادیم. ما تمام اطلاعاتمان را با دیسکت جابه‌جا می‌کردیم.

● سیاوش: این‌ها را از این جهت می‌گوییم که معلوم شود با حداقل امکانات هم می‌توان کار کرد فقط به شرطی که کار کرد. من به این جمله اعتقاد دارم.

○ دوست دارم سه شرطی را که برای موفقیت‌گفتی به عنوان تیتیر مصاحبه‌تان بزنم. نظرت که عوض نشده؟

● بهادر: نه هنوز هم اعتقاد دارم: علاقه، تلاش و پشت کار.

○ بچه‌ها! همگی موفق باشید. ممنون.

